

از قتل عام جدید جلوگیری کنیم!

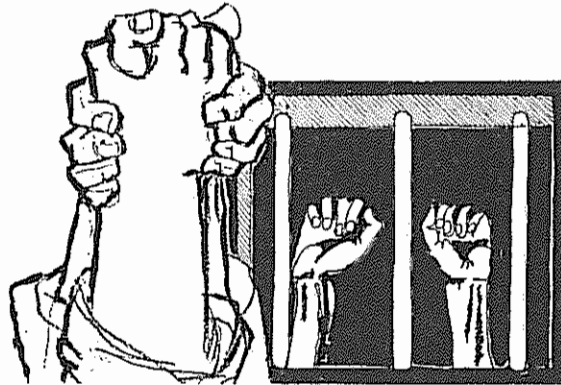
مردم مبارز ایران!
 رژیم در تدارک فاجعه عظیمی است. قتل عام جدیدی در راه است. در آغاز هفتمین سال چنگ، خمینی نقشه هولناکی برای جوانان شما کشیده است. او حمله بزرگی را تدارک دیده است. اگر این حمله آغاز شود، سیل خون جاری خواهد شد و دهها هزار انسان دیگر طعمه جنون خمینی خونخوار خواهند شد.
 به فرمان خمینی جیره خواران رژیم به جان مردم افتاده اند. کارگران، کارمندان و پیشه‌وران کارگران آگاه ایران!

طبقه کارگر ایران هیچ وقت مثل امروز تحت فشار نبوده است. رژیم کارگران را بر سر دوراهی مرگ قرار داده است: یا جبهه یابیکاری و گرسنگی، بر اثر چنگ کارخانه‌ها تعطیل و کارگران گروه گروه اخراج می‌شوند. بجای راه انداختن صنایع همه ارز کشور را خرج خرید اسلحه و ادامه چنگ می‌کنند. راه نجات کارگران از وضع دشوار کنونی، مبارزه یکپارچه علیه چنگ و رژیم خمینی است. در این مبارزه کارگران تنها نیستند. جز خمینی و ایادی او، جز مشتی تاچر و سرمایه‌دار غارتگر، همه خواهان قلبه چنگ هستند. حتی صدام به صلح تن داده است. تا چنگ ادامه دارد، اخراج گرومی و کاهش دستمزدها متوقف نمی‌شود. راه توقف سیل اخراج‌ها، خاتمه چنگ است.

توده کارگران باید صلح را در اس مطالبات خود قرار دهند. همه باید بدانند علت اصلی این همه اخراج قبل از همه، ادامه چنگ است. فریبت چنگ در کمین کار شما و جان شماست. بقیه در صفحه ۲

بیانیه هفت حزب هندوستان علیه ادامه جنگ ایران و عراق
 در صفحه ۶

رژیم در تدارک فاجعه عظیمی است. قتل عام جدیدی در راه است. در آغاز هفتمین سال چنگ، خمینی نقشه هولناکی برای جوانان شما کشیده است. او حمله بزرگی را تدارک دیده است. اگر این حمله آغاز شود، سیل خون جاری خواهد شد و دهها هزار انسان دیگر طعمه جنون خمینی خونخوار خواهند شد.
 به فرمان خمینی جیره خواران رژیم به جان مردم افتاده اند. کارگران، کارمندان و پیشه‌وران کارگران آگاه ایران!



نیستیم. همه جهانیان جمهوری اسلامی را در درجه نخست به عنوان رژیم می‌شناسند که از مهمترین خصایصش عدم رعایت ابتدایی‌ترین موازین حقوق بشری در زندانهاست. همه می‌دانند که جمهوری اسلامی حکومت مثنی جلاذ ضدبشر است، حکومت جوخه‌های اعدام است، حکومت شکنجه و شلاق است. آگاهی جهانیان نسبت به آنچه که در جمهوری اسلامی و اسارتگاههای آن می‌گذرد، از جمله از فعالیت‌های پیکیرانه سازمان‌های انقلابی و مترقی ایران تاثیر پذیرفته است. این آگاهی با خود حرکت‌های گسترده‌ای نیز به همراه آورده است. از ابراز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران به شکل



دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۶۵ برابر ۱۲ اکتبر ۱۹۸۶
 بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۲۸

ضرورت تشدید مبارزه و اتحاد در مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی

سخن گفتن در مورد وضعیت زندانیان سیاسی در ایران، اگر چه بدیثی مکرر است، اما همواره تازگی دارد، چرا که زخمهایی که بر اثر شکنجه بر پیکر انقلابیون در بند نقش بسته است، همواره تازه اند. چراحت کهنه بهبودی نیافته، شلاق و شکنجه، زخمی تازه دیگری در کنار آثار ددمنشی‌های پیشین دژخیمان می‌نشانند. هر روز خیل تازه‌ای از مبارزین به اتاق‌های "تعزیر" فرستاده می‌شوند و در هر گزارش که از ایران می‌رسد خبر اعدام‌های تازه ای می‌آید.
 چنایتکاری خارج از توصیف در زندانها، این یکی از نخستین اوصافی است که با شنیدن نام کریمه جمهوری اسلامی در ذهن تداعی می‌شود. تنها ماکه خود به اسارت و شکنجه و اعدام خور گرفته ایم، این گونه

شورای امنیت خواستار قطع فوری جنگ ایران و عراق شد

● هیات نمایندگی جمهوری اسلامی از شرکت در جلسه شورای امنیت خودداری کرد
 شورای امنیت سازمان ملل متحد به درخواست ۷ کشور عضو جامعه عرب، یک جلسه اضطراری پیرامون بررسی وضعیت جنگی ایران و عراق تشکیل داد. در این جلسه اضطراری، خاویر پیرز دوکوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد با قرائت بیانیه‌ای خواستار قطع فوری جنگ دو کشور ایران و عراق گردید. در بیانیه دبیرکل سازمان ملل متحد تصریح شده است: "میزان تلفات جانی و خسارات مالی این جنگ برای دولت که این صدمات را متحمل شده‌اند، روشن است... قتل‌عام به تنهایی می‌تواند دلیل کافی برای درخواست خاتمه بخشیدن به این جنگ ویرانگر باشد."
 دبیرکل سازمان ملل متحد نسبت به خطر گسترش جنگ در منطقه عمیقاً ابراز نگرانی کرد و "اعلام آمادگی ایران برای انجام حمله گسترده دیگری

در این شماره

- خبرهای جنگ: در تدارک کشتار بزرگ در صفحه ۲
- اعتصاب غذا در رم در صفحه آخر
- طنین فریاد مرگ بر جنگ، در پهنه گیتی در صفحه ۶
- آشنایی با واژه‌های سیاسی: استراتژی و تاکتیک در صفحه ۷

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

هواداران

صلح ایران - عراق

اعتصاب غذا

درم

بقیه از صفحه آخر



پشتیبانی آن‌ها از صلح بین دو کشور شدند. حمایت و یاری نیروهای سیاسی، سازمان‌های اجتماعی، روشنفکران و شهروندان ساده از صلح بین دو کشور و ابراز تنفر آن‌ها نسبت به جنگ در زمره خواسته‌های دیگر اعتصاب کنندگان بود.

خبر اعتصاب غذای هواداران صلح ایران - عراق، همراه با طرح خواسته‌های آنان روز چهارشنبه ۲۴ سپتامبر در روزنامه سراسری مانیفست و روز پنج‌شنبه ۲۵ سپتامبر در روزنامه‌های پرتیراز "اونیتا" و "پاژه‌سرا" انعکاس یافت.

در روز پایانی اعتصاب، در محل گردهمایی اعتصاب کنندگان، از سوی "هواداران صلح ایران - عراق" کنفرانس مطبوعاتی موقتی ترتیب داده شد که در آن خبرنگاران پرتیرازترین روزنامه‌های پایتخت یعنی "کوری بیره دل‌اسرا" و "سجرو" به همراه خبرنگاران رادیویی پرولتاریا و رادیویی حزب رادیکال‌ها شرکت داشتند.

در همین روز نمایندگان شورای شهرداری ایالتی رم، نماینده حزب "دمکراسی پرولتاریا"، سندیکای

کارگری CGIL (کنفدراسیون عمومی زحمتکشان ایتالیایی) که بزرگترین سندیکای کارگری اروپای غربی است و نماینده حزب کمونیست ایتالیا و... در جمع اعتصاب کنندگان حضور یافته، همبستگی خویش را با "هواداران صلح ایران - عراق" بیان داشتند.

علاوه بر این سازمان جوانان کمونیست (ایتالیا)، مرکز ابتکارات برای صلح سازمان جوانان کمونیست - رم، سازمان ملی پارتیزان‌های ایتالیا - فرارا، شورای کارخانه اسلحه‌سازی کنتسراس "CONTRAS" هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین، اتحادیه ملی دانشجویان اردنی، جامعه بین‌المللی برای حقوق مدنی و دمکراتیک در ایران، آدفه فوجو نماینده پارلمان ایتالیا و پرفسور رافائل کی‌آدلی استاد دانشگاه نیز حمایت خویش را از اقدام ایرانیان و عراقی‌های صلحدوست علیه جنگ ویرانگر ایران و عراق ابراز داشتند. اعتصاب غذای هواداران صلح ایران - عراق "در محیطی آکنده از احساسات صلحدوستانه و شور میهن‌پرستی پایان یافت.

ضرورت تشدید مبارزه

بقیه از صفحه اول

فردی گرفته تا ابراز همبستگی در حد احزاب سیاسی. مجامع بسیاری در حکومت جمهوری اسلامی قطعنامه صادر کرده‌اند و برای سران این رژیم بیانیه‌های اعتراضی فرستاده‌اند. در این زمینه هنوز جای حرکت بیشتری باقی است. بیش از اینها می‌توان از آگاهی جهانیان مدد جست و آنرا به نیروی فشار علیه رژیم بدل کرد. نباید تصور نمود که رژیم ایران از این فشارها تاثیر نمی‌پذیرد. اثر بخشی فشارهای بین‌المللی نه ناشی از تاثیرپذیری رژیم در حیطه حقوق بشر بلکه ناشی از اجبار این حکومت به عقب‌نشینی‌های معینی در قبال قدرت مادی و معنوی این فشارها است. نمایندگان جمهوری اسلامی در همه مجامع بین‌المللی سرشکسته‌اند. رژیم نمی‌تواند به این نکته بی‌توجه باشد. همه اینها محظوراتی برای حکومت ایران ایجاد می‌کند. پای مصالح دیگر پیش کشیده می‌شود و رژیم که در داخل کشور با موج فزاینده‌ای از مخالفت روبروست، ناگزیر می‌گردد عامل فشار افکار عمومی جهانی را در نظر بگیرد. ما در مصاف خود با جمهوری اسلامی در این عرصه، در موضع قدرت قرار داریم. جمهوری اسلامی در این میدان عاجز و زبون و سرفکنده است، لازم است جبهه این رژیم هر چه گسترده‌تر گردد و بیکار مایک آن نیز سستی نگذرد. در عین حال که شکل‌های معمول به کار گرفتن نیروی همبستگی بین‌المللی (امضای کارت پستال همبستگی از جانب افراد و ارسال آن برای مقامات رژیم، امضا گرفتن از شخصیت‌ها، تهیه بیانیه‌ها و طومارها، ایجاد زمینه برای تصویب قطعنامه‌های حکومت جمهوری اسلامی در مجامع مختلف، استفاده از تریبون رسانه‌های گروهی بین‌المللی، ایجاد زمینه برای فشار مجامع حقوقی به منظور بازدید از زندانهای سیاسی در ایران، تشکیل جلسات ویژه، تشکیل گردهمایی، دست زدن به تظاهرات و اعتصاب غذا در زمانها و مکان‌های موثر و نظایر اینها) هیچ‌گاه کفنه نمی‌شوند، اما لازم است مداوم به ابتکارهای جدید نیز اندیشید و همواره شیوه‌های موثر تازه‌تری را نیز به خدمت گرفت.

اکنون در ایران خانواده‌های زندانیان سیاسی نقش مهمی را در بسیج افکار مردم علیه جنایات رژیم ایفا می‌کنند. همبستگی آنها با یکدیگر و حرکت‌های جمعیشان بر روی رژیم، فشارهای موثری را وارد ساخته است.

در خارج از کشور نیز می‌توان با الهام از مبارزه‌ای که خانواده‌های زندانیان سیاسی پیش می‌برند، حرکت موثری را سازمان داد. در خارج از کشور بیش از ۲ میلیون (بنا بر برخی تخمین‌ها) تا ۳ میلیون ایرانی به سر می‌برند. بسیاری از اینان یک تا چند تن از بستگانشان به دست رژیم اعدام شده و یا هم‌اکنون در زندان به سر می‌برند. گردهم آمدن کسانی که همسران، برادران، خواهران، فرزندان و یا والدین انقلابیشان اعدام شده و یا در زندان هستند، می‌تواند تشکل دمکراتیکی را ایجاد کند که در تئود افکار عمومی بین‌المللی از صدای رسایی برخوردار باشد. این تشکل قادر خواهد بود همواره اطلاعات کنکرتی را در اختیار سازمان‌های حقوقی بین‌المللی ذیربط و دیگر مجامع جهانی بگذارد و آنها را در جهت اعمال فشار بیشتر بر رژیم ایران، پرتحرکتر سازد. چنین تشکلی ضمن مساعدت رساندن به اعضای خود، قادر خواهد بود در بسیاری از زمینه‌ها به یاری خانواده‌های زندانیان سیاسی در ایران بشتابد. برای بی‌ریزی چنین کانونی باید در نظر داشته باشیم که همه نیروهای انقلابی اسیر در ایران در زیر یک سقف به بند کشیده شده، دست پلید واحدی بر پیکر رشید آنان شلاق فرود می‌آورد و بر مبنای احکام واحدی در شامگاهها و سحرگاههای خونین میدانهای تیر، گلوله قلب پرتیش آنان را از حرکت وامی‌دارد.

اتحاد، اتحاد، اتحاد! تنها با اتحاد می‌توان مبارزه هر چه موثرتری را برای نجات جان زندانیان سیاسی سازمان داد. هیچ حرکتی بدون بهم برآمدن همه نیروهای ذیربط، نمی‌تواند تاثیر کامل و گسترده‌ای برجا بگذارد. ناگفته نماند که امتناع از انجام این وظیفه و یا بدتر از آن کوشش در پراکنده نگه داشتن این نیروها که خانواده‌های زندانیان سیاسی از جمله آنانند، به سود چه کسی است. قلب‌های خون چکان زندانیان سیاسی، خانواده‌های دردمند اسیران انقلابی، وجدان‌های آگاه و بیدار در ایران و جهان و بالاخره تاریخ، هیچ‌یک ما را نخواهند بخشید اگر دست‌کم (چه تاسف آور است که ناچاریم بگوییم دست‌کم) در این زمینه، نتوانیم دست اتحاد به سوی هم دراز کنیم و نیروهای خود را به یکدیگر پیوند زیم. ما، خانواده‌های زندانیان سیاسی و سازمان‌های مردمی و مترقی و همه ایرانیان آزاده را در خارج از کشور به اقدام مشترک در این زمینه فرامی‌خوانیم.

در جوار همدیگر بازگیری می‌کردند!

چند روز پس از پایان اعتصاب غذای جمعیت "هواداران صلح ایران - عراق"، در شماره اول اکتبر روزنامه "اونیتا" ارگان حزب کمونیست ایتالیا و در بخش نامه‌های خوانندگان، نامه سه تن از فعالین "مرکز ابتکارات برای صلح" زیر عنوان "در جوار همدیگر بازگیری می‌کردند" به چاپ رسید که متر، آن چنین است:

"یکی از دوستان ما در فرودگاه بین‌المللی رم کار می‌کند. چند روز پیش دوست ما شاهد عملیات بازگیری اعجاب‌آوری در دو پیست مجاور فرودگاه بوده است. یک هواپیمای عراقی و در مجاورت آن یک هواپیمای ایرانی مشغول بازگیری صندوق‌های

تسلیحات ساخت ایتالیا بودند. این تسلیحات برای هر دو کشور درگیر "جنگ خلیج" ارسال می‌شوند. جنگی که از چند روز قبل به هفتمین سال خود گام نهاده است.

چند شب پیش با اعضای کمیته هواداران صلح ایران و عراق که در حال اعتصاب غذا در محل سندیکای عمومی کار ایتالیا بودند، گفت و شنودی داشتیم. از ما خواستند که حداقل ما دمکرات‌ها این جنگ را که به قتل‌عام مردم دو کشور بدل شده است، "جنگ فراموش شده" نخوانیم. در واقع برای کسی که تفاوت این جنگ را با گولش و پوست خود حس می‌کند... این جنگ هرگز فراموش نشده است.

اجلاس اوپک در ژنو

روز دوشنبه ۱۴ مهرماه وزاری نفت کشورهای عضو سازمان صادرکننده نفت (اوپک) در ژنو تشکیل جلسه دادند. دستور کار اجلاس جاری اوپک، همان گونه که قبلاً از سوی کشورهای عضو تصریح شده بود، عبارت است از بررسی و ارزیابی نتایج طرح تعدید صدور نفت و تعیین سهمیه کشورهای عضو این سازمان.

پنا به اخبار و گزارشات واصله، اجلاس اوپک در پدوکار خود، دو کمیسیون ویژه برای تعیین سهمیه هر کشور و تعیین قیمت نفت تشکیل داد. تحلیلگران امور نفت پیش بینی کرده اند که اجلاس جاری اوپک، مصوبات نشست قبلی را تعدید خواهد کرد.

در آستانه اجلاس اخیر اوپک آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی پیش از مسافرت خود به ژنو در یک گفتگوی مطبوعاتی و رادیو و تلویزیونی اعلام کرده بود که جمهوری اسلامی به "سهمیه باز" عراق تمکین نخواهد کرد. از سوی دیگر روزنامه هرالد تریبون ۹ اکتبر از ژنو گزارش کرده است که کشورهای کویت و عربستان سعودی خواستار افزایش سهم خود شده اند. میزان سهمیه رسمی کویت و عربستان سعودی به ترتیب ۹۰۰ هزار بشکه و ۴/۲۵ میلیون بشکه در روز است.

دعوت از کروب

برای سرمایه گذاری در ایران

کیهان ۱۰ مهر - بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین که در رأس یک هیات اقتصادی و سیاسی به آلمان فدرال سفر کرده بود در آخرین روز اقامت خود در این کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی "رضایت خود از این سفر را اعلام کرد و نسبت به توسعه روابط ایران و آلمان غربی تأکید نمود."

بهزاد نبوی در ارتباط با طرح اجاره صنایع کشور به کشورهای امپریالیستی از شرکت کروب خواست تا در ایران سرمایه گذاری کند. وی تصریح کرد،

"جمهوری اسلامی ایران نه تنها خواهان توسعه سرمایه گذاری های خود در این شرکت می باشد بلکه خواهان توسعه سرمایه گذاری های خود در داخل کشور با کمک کروب است." وی خاطر نشان ساخت: "این همکاری ها بیشتر با شرکت های ایرانی هم ردیف کروب در جهت زمینه هایی چون احداث کارخانجات سیمان و تجهیزات دیگر کارخانجات صورت خواهد گرفت."

بهزاد نبوی در مدت اقامت خود در آلمان فدرال با "هانس دیتیش کنشر" وزیر امور خارجه آلمان فدرال نیز دیدار و حول روابط دو کشور گفتگو کرد.

باید خاطر نشان ساخت که جمهوری فدرال آلمان در نیمه اول سال جاری میلادی ۱/۸۲ میلیارد مارک کالا به جمهوری اسلامی صادر کرده و در مقابل ۶۲۲ میلیون مارک کالا که ۶۰ درصد آن نفت می باشد از ایران وارد کرده است.

اعلام نتایج کنکور سراسری دانشگاهها

گرفته و اسامی آنان برای انتشار آماده شده جزو سهمیه نهادهای حکومتی هستند. ۸ هزار تن از این ۲۶ هزار نفر تأیید شده راد انشجویانی تشکیل می دهند که سپاه پاسداران قبولی آنان را پیش از این تسمین کرده بود. سپاه پاسداران پیش از اعلام نتایج کنکور اعلام کرده بود هر یک از داوطلبانی که فرم خدمت سه ماهه و یا شش ماهه در جبهه را پر کنند، به عنوان سهمیه ویژه سپاه به دانشگاه راه خواهند یافت.

در ضوابط جدید بررسی صلاحیت داوطلبان کنکور، منتشره از سوی هیات گزینش مرکزی که به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده پاریدگر بر لزوم سخت گیری بر معیار مذهبی بودن داوطلبان و تعهد عملی آنان به حمایت از رژیم جمهوری اسلامی تأکید شده است.

میرشمسی مدیرکل گزینش دانشجو در وزارت فرهنگ و آموزش عالی چهارشنبه هفته گذشته در گفتگو با رادیو جمهوری اسلامی اظهار کرد که اسامی ۲۶ هزار تن از قبول شدگان آزمون سراسری گزینش دانشجو در دو سری در روزهای ۱۸ و ۲۰ مهرماه در یکی از روزنامه های کشور به چاپ می رسد. وی افزود: اسامی بقیه قبول شدگان پس از پایان بررسی صلاحیت های آنان متعاقباً اعلام خواهد شد. در صورتی که پیش از این در ۱۲ مهر، علی اکبر سیاسی معاون پارلمانی و مسئول روابط عمومی وزارت فرهنگ و آموزش عالی گفته بود، اسامی همه ۵۰ هزار پذیرفته شده آزمون سراسری اسامی دانشگاهها و موسسات عالی، یکجا اعلام خواهد شد.

باید خاطر نشان کرد رقم کثیری از این ۲۶ هزار نفری که تاکنون صلاحیت آنان مورد تأیید قرار

سرشماری عمومی در کشور آغاز شد

برای آمارگیری در اکثر شهرهای کشور دایر شد و برخی از مسئولین آمارگیری در جلسات ویژه ای "توجیه" شده اند. از جمله رادیو جمهوری اسلامی ۱۶ مهرماه اعلام کرد که برخی از مسئولین آمارگیری در جلسه توجیهی مشکینی، منتظری و کلپایکانی شرکت کرده اند.

نخستین "سرشماری عمومی نفوس و مسکن جمهوری اسلامی" آغاز شد. این سرشماری که ۱۵ روز بطول می انجامد توسط ۴۵۰۰۰ آمارگیر به طور همزمان در سراسر کشور دنبال خواهد شد. طبق برآورد مرکز آمار ایران، این آمارگیری بالغ بر ۲۵۰ میلیون تومان هزینه دربر خواهد داشت. کلاس های ویژه ای

اقدام رژیم به سرشماری و گردآوری اطلاعات بر محورهای اهداف اطلاعاتی، اقتصادی و نظامی، موجب نگرانی شدید مردم کشور گردیده است. رژیم برای تخفیف نگرانی مردم، به چشیدگی رئیس مرکز آمار ایران و رئیس ستاد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ماموریت داد تا "اطمینان" مردم را جلب نماید. نامبرده در یک نشست مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام کرد: "اطلاعات سرشماری کاملاً محرمانه خواهد بود و اطلاعات فردی در هیچ مرجع قضایی، اداری و مالیاتی مطرح نخواهد شد."



کیهان ۱۴ مهر: هنوز بسیاری از مردم آمادگی کامل برای پاسخگویی به پرسش های آمارگران را ندارند. ۱

انحلال "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی"

وحدت هفت گروه، صف، منصورون، فلاح، موحدین، فلق، بدرامت واحده تشکیل شده بود. در گزارش خبرنگار سیاسی کیهان گفته شده است: "سازمان فوق پس از تشکیل، فعالیت های مختلفی داشت تا این که اختلاف نظرهای اصولی پیرامون مسایل اقتصادی و اجتماعی، این سازمان را در نهایت به دو جناح تقسیم کرد. در پی بروز این اختلافات جناحی که با خط مشی اجرایی و چارچوب دولت موافقت و همکاری داشت از جمله بهزاد نبوی، محمد سلامتی و مرتضی الویری، با کسب اجازه از امام از این سازمان خارج شدند. جناح دیگر تاکنون به فعالیت تشکیلاتی خود زیر نظر حجت الاسلام راستی کاشانی ادامه می داد تا سرانجام با استعفا نامبرده این سازمان بطور کامل منحل شد."

کیهان ۱۴ مهرماه - به دنبال رای خمینی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی منحل شد. حجت الاسلام راستی کاشانی که سرپرست سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود در متن استعفا نامه خود، به درگیری و کشاکش درون سازمان که متافراز تقابل جناحین حکومتی بود، اشاره کرد. حجت الاسلام راستی کاشانی مدعی شد "خطر ضعف هایی که ممکن بود از جانب منفرین ایجاد شود، برطرف شده است." نامبرده از خمینی "استدعای انحلال" این سازمان را نمود.

خبرنگار سیاسی کیهان پیرامون چگونگی تشکیل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و روند بعدی آن اعلام کرد که این سازمان در ابتدای انقلاب از

"بازار مشترک اسلامی" در جزیره کیش

معاون وزارت اقتصاد و دارایی و رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران در گفتگویی با خبرنگاران رسانه‌های دولتی، چگونگی ورود و خروج کالا از جزیره کیش را تشریح کرد. وی بازار جزیره کیش را "بازار مشترک اسلامی" نامید و اظهار داشت، "امور گمرکی مسافری جزیره کیش همانند مسافری خارج از کشور عمل می‌شود یعنی برای بار اول می‌توانند ۲۰ هزار تومان کالا بیاورند که ۵ هزار تومانش معاف از گمرک است و بقیه با پرداخت حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض ترخیص خواهد شد." معاون وزارت اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی، کشایش بازار جزیره کیش را "شروعی برای ایجاد بازار مشترک اسلامی در ایران" توصیف کرد. بر اساس مختصات این بازار، بر ورود و خروج کالا در جزیره کیش هیچگونه حقوق گمرکی و عوارض بازرگانی اعمال نمی‌شود و تنها به هنگام ورود کالا به داخل کشور، مشمول مقررات گمرکی می‌گردد. ورود کالا از همه نقاط جهان - به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس - به این بازار آزاد است و معاملات در این بازار مشترک اسلامی برای مسافری ایرانی تنها با ارز خارجی میسر می‌گردد.

لغو یک سفر ورزشی

کپهان ۱۲ مهر - از سوی "کمیته برون مرزی" سازمان تربیت بدنی، سفر تیم ملی والیبال جوانان ایران به تایلند لغو شد. بنا به تصمیم قبلی سازمان تربیت بدنی، قرار بود این تیم جهت شرکت در مسابقات والیبال جوانان آسیاد در اواخر مهرماه سال جاری راهی تایلند شود اما روز ۱۲ مهرماه اعلام شد که سازمان تربیت بدنی سفر تیم والیبال جوانان را به تایلند لغو کرده است. بدین ترتیب اردوی این تیم که در مجموعه ورزشی آزادی تشکیل شده بود، تعطیل شد. لازم به یادآوری است که ۲ ماه پیش نیز سازمان تربیت بدنی سفر تیم ملی فوتبال جوانان را به دلیل این که دفتر حراست کمیته برون مرزی حاضر به دادن تضمین نسبت به بازگشت اعضای تیم اعزامی به داخل کشور نشده بود، لغو کرد. لغو سفر تیم ملی والیبال جوانان چند روز پس از رویداد اخیر در سئول نشانه عدم اعتماد کامل رژیم به ورزشکاران است. در سئول ۴ تن از ورزشکاران ایرانی شرکت کننده در بازی‌های آسیایی، از بازگشت به میهن خودداری کردند.

اراضی کشت موقت را پس می‌گیرند

کپهان ۱۲ مهرماه - حجت الاسلام امامی کاشانی سخنگوی شورای نگهبان گفت: "اراضی کشت موقت که حدود ۷۵۰ هزار هکتار می‌باشد چیزی حدود شش هفت درصد کل زمین‌های کشاورزی ماست که باید تکلیف آن‌ها روشن شود. مقداری از این اراضی را ارگان‌ها داده‌اند و مقداری هم عدواناً تصرف شده و بحث در شورای نگهبان روی این مسأله بوده که مثلاً اگر قاضی رسیدگی، ببیند که چه مقدار از این اراضی مشمول اصل ۴۹ است و از غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار و... از موقوفات بدست آمده است، این را دولت می‌گیرد و یا به صاحب حق رد می‌کند و در صورت معلوم نبودن صاحب به بیت‌المال می‌دهند. و اما آن‌هایی که مشمول اصل ۴۹ نیست آن‌ها هم مال مالکین است ولی طبعاً این که دست کشاورزان و زارعین است باید به صورت اجاره یا به صورت مضارعه باشد..."

حمله به سفارت آلمان فدرال در تهران

رادپو و تلویزیون جمهوری آلمان فدرال روز چهارشنبه ۱۶ مهرماه خبر حمله عده‌ای از نیروهای حزب الله را به سفارت این کشور در تهران منتشر کردند. متعاقب این حمله، کاردار سفارت جمهوری آلمان فدرال در ایران کتبا به دولت جمهوری اسلامی اعتراض کرد. گفته می‌شود که حمله دستجات حزب الله به سفارتخانه آلمان فدرال در تهران بی‌ارتباط با مسأله نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت نیست. در جریان برگزاری این نمایشگاه، وبه دنبال درگیری ناشی از حمله ما مورین جمهوری اسلامی به غرفه‌ای متعلق به جمعی از مخالفین این رژیم، هم غرفه اخیر و هم غرفه جمهوری اسلامی تعطیل گردید.

از میان دیگر رویدادها

* اطلاعات ۶ مهر - وزیر نیرو بار دیگر خواستار صرفه‌جویی در مصرف آب و برق شد.

* وزارت سپاه پاسداران اعلام کرد "در اجرای طرح آموزش نظامی اقشار مختلف" طی سه ماهه اول سال جاری بیش از ۹ هزار نفر از کارمندان ادارت استان سمنان زیر پوشش آموزش‌های نظامی قرار گرفتند.

* اطلاعات هشتم مهرماه به نقل از یک منبع دیپلماتیک ایران، مذاکرات ۸ ساعته وزاری خارجه جمهوری اسلامی و فرانسه را "بسیار سودمند و دوستانه" اعلام کرد.

* کپهان ۱۴ مهر - اجلاس وزاری دفاع کشورهای عضو "شورای همکاری خلیج" به کار خود پایان داد. این اجلاس که در مسقط برگزار شد بر سر مسایل مربوطه دفاع موابی و دریایی کشورهای عضو نسبت به تهدیداتی که در کمین آنهاست "متمرکز" بود. باید خاطر نشان ساخت که جمهوری اسلامی در هفته اخیر به تهدیدات خود علیه کویت ادامه داد و دولت کویت را متهم کرده که جزیره بوبیان را به منظور مقاصد نظامی در اختیار عراق قرار داده است. این موضوع رسماً از جانب کویت تکذیب شده است.

* کپهان ۱۲ مهر - جمهوری اسلامی ممنوعیت انتقال کالا توسط کامیون‌های ترکیه به داخل مرزهای ایران را لغو کرد. پیش از این سرمایه‌داران ترک و کمپانی‌های حمل و نقل این کشور به این ممنوعیت اعتراض کرده بودند. تصمیم جدید جمهوری اسلامی پذیرش خواسته‌های آنان تلقی می‌شود.

* یشارتی قائم مقام وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی که به کشورهای آرژانتین، برزیل و پرو سفر کرده بود در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام کرد که در این سفر مسایل مختلف از جمله مسأله چغنی و کتک تسلیحاتی برزیل به عراق مورد مذاکره قرار گرفته است. رادیوی دولتی جمهوری اسلامی که خبر فوق را منتشر کرد در ضمن افزود که مناسبات دو کشور جمهوری اسلامی و برزیل بهبود یافته است.

از میان نامه‌ها

آنجا که ستم هست مبارزه هم هست

مدت زمانی است که در ماشین نشسته‌ام، زانوهایم درد گرفته است، از شیشه به بیرون نگاه می‌کنم دوروبر جاده را بیابان برهوت در بر گرفته است، تا چشم کار می‌کند دشت و بیابانی خشک است و سوخته. جای جای زمین از بی‌آبی ترک برداشته است. آنچه بر روی این زمین رشد کرده، نه درخت است و نه سبزی، بلکه خار است و گیاه بیابانی. ابتکار از این همه فلاکت که گریبان زمین را گرفته است با ما سخن می‌گوید، با چهره‌ای درد آلود و رنج دیده.

به دوست هم سفرم نگاه می‌کنم. به فکر فرو رفته است. آرزو که در مقابل با پیگرد مامورین خمینی مجبور شدم شهرمان را ترک کنیم. اون‌گران بود. نه اینکه از سختی‌هایی که در پیش بود بترسد. نگران بود که وظیفه مبارزاتی‌اش را چگونه پیش خواهد برد. دور از شهر و دیار و دور از رفیقانش در چه پیوندی می‌تواند به کار ادامه دهد. به او گفته بودم که در هر جایی از این کشور که مردم هستند، ستم هم هست، پس مبارزه هم هست. کار ما در میان مردم متوقف نمی‌شود، ما کار می‌کنیم. او پذیرفت، ولی نگرانی‌ها او ماند. در این چند ماه گذشته در جستجوی کار خیلی تقلا کردیم. چند کاری که کیر آوردیم زود از دست رفت. اکنون ماشین ما را به سمت محل کار جدید می‌برد. یک

کارگاه در نزدیکی‌های کویر. دوستم همچنان در فکر است. دست اندازهای فراوان جاده او را از فکر کردن باز نمی‌دارد. به چه چیز فکر می‌کند؟ شاید به زندگی‌اش، آری حتماً به زندگی‌اش فکر می‌کند. او می‌خواست دکتر بشود می‌خواست ادامه تحصیل بدهد ولی بعد از چند سال دیپلم گرفتن هنوز بیکار است و حالا باید بسوی سرزشتی نامعلوم تیر برود. دیروز شهرها و روستاهای آذربایجان را زیر پای می‌گذاشت و حالا باید برای زنده ماندن، این بیابان برهوت را زیر پای بگذارد. به جاده چشم می‌دوزم حتی یک درخت و یا چایی که از زندگی‌خبری بدهد بچشم نمی‌خورد، به یاد شهر و دیارم می‌افتم. به یاد کردستان. به یاد باغهای سوخته، خانه‌های ویران

شده، و روستاهای از سکنه خالی شده و بیاد کشته‌های بسیار. بیاد گلوله بارانهای سفندج، سقز، پانه، مهاباد و... به یاد هزاران جوانی که از زندگی ساقط شدند. بیاد دوستان خوبم که یاب‌ه جوخه‌های اعدام سپرده شدند و یا در بمباران‌ها کشته شدند، بیاد رفیقانم که بچرم انسان بودن و زندگی انسانی را خواستن شکنجه و اعدام شدند به یاد آوارهای بسیار افتادم. این زمین سوخته که بسیار دور از سرزمین کردستان است. انسان را بیاد گذشته‌های دور و نزدیک می‌اندازد. روی این زمین چه چیزها که روی نداده است، این زمین چه تلخی‌ها که نچشیده است و حال چه روزهایی را می‌گذراند. سرم را به سوی آسمان بالا می‌گیرم اما نمی‌شود آنرا دید، دلم بقیه در صفحه ۹

طنین فریاد مرگ بر جنگ، در پهنه گیتی

هندوستان

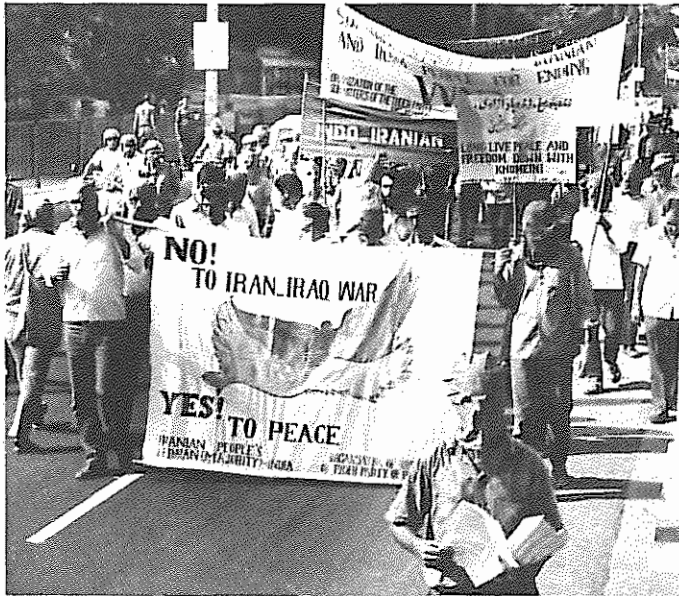
بعد از ظهر روز اول مهرماه، دهلی نو، صحنه تظاهرات شکوهمند ۱۲ حزب و سازمان سیاسی علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و رژیم های حاکم بردوکشور بود. تظاهرکنندگان که در پیشاپیش آنان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و هواداران حزب توده ایران حرکت می کردند. یکصد و شش آکین شعارهایی چون، "صلح آری، جنگ نه، به جنگ ایران و عراق پایان دهید"، "مرگ بر خمینی، مرگ برصدام، مرگ بر جنگ" را به زبانهای هندی و انگلیسی فریاد می زدند.

این تظاهرات با پشتیبانی عمیق مردم هندوستان روپرو گردید. در مسیر

تظاهرات هزاران اعلامیه توضیحی بین مردم پخش گردید. تظاهرکنندگان پس از عبور از خیابان های دهلی سرانجام در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایستاده، میتینگی برپا کردند. در این میتینگ نمایندگان نیروهای شرکت کننده سخنرانی های افشاگرانه ای علیه دو رژیم خوریز ایران و عراق ایراد نمودند.

مزدووان سفارت جمهوری اسلامی در دهلی نو از زمان شروع تظاهرات مذبحخانه تلاش می کردند که از حرکت تظاهرکنندگان جلوگیری کنند.

تظاهرکنندگان قطعنامه ای را به



صفحه ای از تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق در دهلی نو



- و.پ. چودری - حزب مردم
- جبهه دمکراتیک دانشجویان
- سودان - هندوستان
- جبهه دمکراتیک برای آزادی
- فلسطین - هندوستان
- سازمان دمکراتیک جوانان
- افغانستان - هندوستان
- فدائیان خلق ایران
- (اکثریت) - هندوستان
- هواداران حزب توده ایران -
- هندوستان
- انجمن دانشجویان عراقی -
- هندوستان
- روزنامه های سراسری هند به
- چاپ خبر تظاهرات و عکس هایی از آن
- مبادرت نمودند. در همین صفحه
- کلیشه ای از این روزنامه ها به چاپ
- رسیده است.
- در آستانه سالگرد جنگ از سوی
- هفت حزب بزرگ هندوستان بیانیه ای
- انتشار یافت که متن کامل آن در این
- صفحه درج گردیده است.

سفارتخانه های عراق و جمهوری اسلامی در دهلی تحویل دادند که در آن آمده است.

"ما احزاب و سازمانهای امضاکننده زیر از دولتهای ایران و عراق می خواهیم که بیدرتک جنگ شش ساله بین دو کشور را قطع کنند.

ما معتقدیم که ادامه این جنگ تهدیدی است برای صلح... در جهان، و تنها به نفع فروشندگان اسلحه در خدمت اعمال سلطه جهانی امپریالیسم می باشد...

- پریم ساگر گوپتا - حزب کمونیست هندوستان

- جوگیندر اشرا - حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)

- اس. پارچولی - سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان

- پی.چودری - حزب سوسیالیست انقلابی

- د.دشالتری - بلوک پیشرو هندوستان

- ر. سینت مان - لوک دال

بیانیه هفت حزب هندوستان علیه ادامه جنگ

ما نیروهای مترقی هندوستان ضمن اعتراض شدید علیه ادامه این جنگ بی فرجام، از پیشنهادات و کوششهای سازمان ملل و جنبش غیرمتعهدها برای پایان بخشیدن به قتل عام و کشتار مردم ایران و عراق حمایت می کنیم و خواهان قطع فوری جنگ ایران و عراق هستیم. ما از همه نیروهای صلحدوست و فعالان حقوق بشر و همه مردم می خواهیم که صدای اعتراض خود را رساتر کرده و از هر امکانی از جمله برپایی تظاهرات، میتینگ و... ارسال نامه های اعتراضی به سفارتخانه های ایران و عراق علیه ادامه این جنگ خائمانسوز بپاخورند!

- ۱- و. پی. چودری از حزب جانانانا
- ۲- پی. چاندهوری از حزب سوسیالیست انقلابی
- ۳- شستری از جبهه پیشرو سراسری هندوستان
- ۴- راج سینگ دبیر کل لوک دال
- ۵- دبیر کل سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان
- ۶- جی. شوما از حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)
- ۷- پریم ساگر گوپتا از حزب کمونیست هندوستان

در ۲۲ ماه سپتامبر شش سال است که جنگ خائمانسوز ایران و عراق شعله ور است، بدون آنکه پایانی داشته باشد. نه تنها مردم ایران و عراق که تمامی مردم صلحدوست جهان هیچگاه خواهان این جنگ کثیف نبوده اند، این جنگ به تشویق امپریالیسم آمریکا برای تشنج فزایی در اقیانوس هند و منطقه آغاز و در حال حاضر توسط جمهوری اسلامی ایران ادامه می یابد.

در نتیجه شش سال عمر شوم جنگ، صدها هزار نفر قربانی شده، حدود ۲ میلیون نفر زخمی، معلول و اسیر جنگی و ۴ میلیون نفر بی خانمان و آواره از دو کشور، گردیده است. شش سال جنگ، اقتصاد و صنایع دو کشور را فلج و باعث افزایش بیکاری و قیمتها و فقر و فلاکت دهقانان ایران و عراق شده است.

تاکنون سازمانهای بین المللی از جمله سازمان ملل متحد، جنبش غیر متعهدها و نیروهای صلحدوست جهان تلاش ورزیده اند تا به این جنگ بپیوهد و چنانیکارانه پایان دهند، اما کوششهای آنان بخاطر سیاست جنگ افروزانه خمینی بی ثمر مانده. خمینی حتی خواهان تشدید و گسترش جنگ است. بنابراین تلاشها و اعتراضات گسترده تر و بیگانه تر باید بکار گرفته شوند.

آشنایی با واژه‌های سیاسی

اشاره:

نشریه "اکثريت" از این پس خواهد کوشید برای آشنایی خوانندگان با واژه‌های سیاسی متداول، با استفاده از اسناد معتبر جنبش کمونیستی و آثار علمی، متون کوتاهی درباره مهم‌ترین مفاهیم و واژه‌ها به چاپ برساند. در این شماره بخشی از کتاب "مبانی سوسیالیسم علمی" نوشته جمعی از آکادمیسیان‌های شوروی به سرپرستی آفاناسیف، تحت عنوان "استراتژی و تاکتیک" را می‌آوریم.

استراتژی و تاکتیک

مارکسیسم - لنینیسم شالوده‌تئوریک سیاست کلی احزاب کمونیست است. مارکسیسم - لنینیسم دارای قوانین عالی است که بدون توجه بدان‌ها انجام انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه سوسیالیستی غیر ممکن می‌باشد. یکی از وجوه تمایز مارکسیسم - لنینیسم این است که به واقعیات برخورد مشخص تاریخی می‌کند و بر این امر تأکید دارد که قوانین عام حاکم بر ساختمان سوسیالیسم در هر کشور به شکل خاص خود متجلی می‌گردند. برای پیروزی امری که کمونیست‌ها در راه آن مبارزه می‌کنند توجه به شرایط خاص کاملاً ضروری است. احزاب کمونیست سیاست‌های معینی دارند که به‌طور مشخص در استراتژی و تاکتیک آن‌ها بیان می‌شود. شایان ذکر است که اصطلاح استراتژی در دوران قبل از اکتبر ۱۹۱۷ در جنبش کمونیستی رایج نبود. تا آن هنگام برای کل سیاست حزب تنها واژه "تاکتیک" بکار می‌رفت. لنین در اثر خود موسوم به "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" اصطلاح "تاکتیک" را در خصوص تمامی مشی حزب برای تدارک و انجام انقلاب بورژوا دموکراتیک در روسیه بکار برد. وی تنها در بعضی از آثار خود پس از اکتبر ۱۹۱۷، از اصطلاح "استراتژی" در رابطه با سیاست حزب استفاده کرد، اما حتی در آن هنگام نیز تفاوت دقیقی بین تاکتیک و استراتژی نمی‌گذاشت.

در جنبش کمونیستی امروزی، واژه "استراتژی" به جهت عمده، هدف اصلی جنبش طبقه کارگر در یک مرحله تاریخی تکامل اجتماعی یا به‌قول لنین به "وظایف کلی و اساسی" طبقه کارگر و حزب او اطلاق می‌شود. در تعیین "استراتژی" مشخص نمودن دشمن اصلی که باید تمام مساعی انقلاب علیه آن متمرکز باشد و دانستن این که در این مبارزه متحدین ما چه کسانی هستند ضروری است "تاکتیک"، مجموعه شکل‌ها، وسایل و شیوه‌هایی است که در یک دوره تاریخی برای دستیابی به هدف اساسی جنبش کمونیستی بکار گرفته می‌شوند. تاکتیک دربرگیرنده جنبه‌های بسیاری است؛ چه شکل‌هایی از مبارزه و ایجاد بکارگرفت (اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک، مسالمت‌آمیز و غیرمسالمت‌آمیز)؛ چگونه باید شکل‌های مختلف مبارزه را در هم آمیخت؛ چگونه باید دفاع و حمله کرد و چگونه باید عقب‌نشینی نمود، چگونه باید

سازش کرد و به توافق رسید؛ چگونه باید از تضادها بهره گرفت؛ چگونه باید با توده‌های غیرپرولتری جنبه متحدی تشکیل داد و غیره. تاکتیک، به‌قول لنین، کار "روزانه" آموزش سازماندهی طبقه کارگر و حرکتشان در جهت آماده ساختن آن‌ها برای عمل انقلابی و نیل به هدف عمده جنبش است. لنین می‌نویسد: "تاکتیک مارکسیستی شامل شکل‌های متفاوت مبارزه، تبدیل ماهرانه آن از شکلی به شکل دیگر، ارتقا دایمی آگاهی توده‌ها و گسترش حدود عمل جمعی می‌باشد." (۱) کمونیست‌ها روی وحدت استراتژی و تاکتیک و ضرورت تبعیت وظایف تاکتیکی از هدف‌های استراتژیک تأکید می‌ورزند. آنان همچنین موکداً اعلام می‌دارند که تغییر در تاکتیک نباید استراتژی را از مضمون انقلابی‌اش تهی سازد یا در هدف تاریخی پرولتاریا انحراف ایجاد کند. آنان قاطعانه با اپورتونیست‌های راست که هدف‌های انقلابی را به فراموشی می‌سپارند و نیز اپورتونیست‌های "چپ" که با تکیه‌ی لچوجانه بر بعضی شکل‌های مبارزه، که بواسطه تغییر شرایط تاریخی کهنه شده‌اند، وظایف تاکتیکی و استراتژیک جنبش را مخلوط می‌کنند، مخالفت می‌نمایند. اپورتونیست‌های "چپ" تنها به قیام مسلحانه می‌اندیشند و توجه ندارند که این شکل مبارزه همیشه درست و قابل استفاده نیست و آن را تنها در شرایطی معین و آن‌هم بمثابة آخرین چاره کار در پاسخ به مقاومت مسلحانه استثمارگران باید به‌کار گرفت. استراتژی از نوعی ثبات و پایداری نسبی برخوردار است. تغییرات آن به‌دنبال تغییر سطح تکامل جنبش جهانی کمونیستی و با یک کشور صورت می‌گیرد. وظایف اصلی انجام جدید زمانی مطرح می‌شود که وظایف قبلی انجام یافته و کشور به مرحله جدیدی از تکامل خودکام نهاده باشد. اگر به‌عنوان مثال در یک کشور وظایف انقلاب بورژوا - دموکراتیک انجام گرفته باشد، حزب استراتژی جدید - تدارک و انجام انقلاب سوسیالیستی - را پیش می‌کشد. تاکتیک از استراتژی پویاتر و متحرک‌تر است. شکل‌ها و شیوه‌های مبارزه با تغییر تناسب نیروهای طبقاتی یک کشور و نیز با تغییر شرایط بین‌المللی دگرگون می‌شود. لنین می‌نویسد که لازم است کیفیات ویژه تکامل عینی به‌سوی کمونیسم در کشورهای مختلف و نیز در اجرا متفاوت کمونیسم را "کشف، مطالعه و پیش‌بینی نمود".

تعیین سیاست حزب مارکسیستی و استراتژی و تاکتیک صحیح آن مسأله‌ای است بسیار دشوار، این هم علم است و هم هنر. علم است زیرا که تعیین مشی سیاسی به تحلیل علمی و ژرف واقعیت و مناسبات واقعی نیروهای طبقاتی و شرایط تاریخی موجود نیاز دارد. اما تدوین مشی درست تمام کار نیست، اجرای آن نیز از اهمیت فراوان برخوردار است. این کار مستلزم دارا بودن توانایی بسیار، مهارت و هنر واقعی می‌باشد. بدون این هنر حتی داشتن صحیح‌ترین مشی سیاسی بی‌فایده است. هنر به‌اجرا درآوردن یک مشی سیاسی در روند مبارزه طبقاتی بدست می‌آید. بدون آبدیده شدن در مکتب مبارزه طبقاتی با تمام دشواری‌ها و پیچیده‌گی‌هایش تسلط بر هنر رهبری استراتژیک و تاکتیکی غیر ممکن است اما این بدان معنی نیست که هر حزبی باید منحصر از تجربه خود بیاموزد. در تسلط بر هنر سیاسی، مطالعه

تجربه احزاب دیگر و در حقیقت تجربه کل جنبش کمونیستی بین‌المللی از اهمیت زیادی برخوردار است.

هنر سیاست جنبه‌های گوناگونی دارد. این هنر عبارت است از، توانایی کارمیان خلق، متحد کردن احزاب، طبقات و گروه‌های مختلف به استثنای آن‌هایی که با کمونیست‌ها اختلافات جدی دارند؛ انتخاب شکل‌های مبارزه و تغییر آن، هنگام بروز دگرگونی در وضعیت سیاسی، عقب‌نشینی صحیح در زمان مناسب، تعیین وظیفه عمده از میان انبوه وظایفی که حزب با آن روبروست و متمرکز ساختن نیروی حزب برای انجام این وظیفه و...

یکی از مهم‌ترین مسایل استراتژی و تاکتیک عبارتست از تحکیم اتحاد پرولتاریا با زحمتکشان غیرپرولتری کشورهای سرمایه‌داری و در درجه اول با دهقانان. کارگران و دهقانان به‌خاطر مواضع اجتماعی و اشتراک در هدف‌های نهایی‌شان با هم متحدند. آنان با هم توسط سرمایه استثمار می‌شوند و هر دو می‌خواهند خود را از حاکمیت اقتصادی و سیاسی بورژوازی رها سازند. این هدف مشترک اساس عینی اتحاد محکم بین کارگران و دهقانان است. اما این اتحاد خود به خود به وجود نمی‌آید. بلکه در جریان مبارزه علیه سرمایه‌داری توسط احزاب کمونیست، تحقق می‌یابد.

اندیشه اتحاد بین طبقه کارگر و دهقانان یکی از اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم است. اندیشه اتحاد مزبور بر این پایه قرار دارد که از یک سو طبقه کارگر با حمایت توده‌های دهقانی و شرکت فعال آنان در انقلاب می‌تواند نظام سرمایه‌داری را نابود ساخته و به‌جای آن یک جامعه سوسیالیستی پنا نماید و از سوی دیگر تنها طبقه کارگر می‌تواند مسأله کهنه دهقانان را به‌نفع خود آنان حل کرده و بدانان امکان می‌دهد که بر روی زمین متعلق به جامعه کار کنند. اتحاد پرولتاریا با دهقانان و زحمتکشان غیرپرولتری اجتماعی - سیاسی عمده انقلاب را تشکیل می‌هد. لذا ایجاد و تحکیم این اتحاد یکی از مهم‌ترین وظایف حزب کمونیست است.

لنین انقلاب را محصول عمل خلق توده‌ها می‌دانست. اما حزب برای متقاعد کردن خلق به ضرورت انقلاب و لزوم شرکت فعال آنان، می‌بایست چگونگی کار در میان خلق را بداند. توانایی کار در میان توده‌ها مهم‌ترین هنری است که حزب باید بیاموزد. این هنر در رهبری خلق برپایه تجربه سیاسی آنان برای انجام وظایف حزب، تبلور می‌یابد.

اصول بنیادی لنینی هنر رهبری خلق که راهنمای کمونیست‌هاست عبارتند از؛
"پیوند با توده‌ها - زیستن در متن زندگی آنان - شناختن روحیات آنان - درک آنان - دانستن همه واقعیات مربوط به زندگی آنان - داشتن توان نزدیکی شدن بدانان - بدست آوردن اعتقاد کامل آنان - جلوگیری از ایجاد شکاف بین رهبران و رهبری شوندگان، بین پیشاهنگ و تمامی ارتش کار" (۲) •

۱ - ر. لنین، مجرعه آثار، جلد ۴، صفحه ۲۱۰.

۲ - ر. لنین، مجرعه آثار، جلد ۴۴، صفحه ۴۹۷ (جواب پنجم به روسی)

طرف کی هستیم؟

درباره نازل بودن سطح آکامی آمریکایی‌ها، مطالب زیادی در نشریات منتشر می‌شود. اما برای اینکه روشن‌تر شود ارکان "مرکز جهان آزاد" بر چه درجه‌ای از جهل و نادانی استوار است، توجه به نتیجه یک نظرخواهی در ایالات متحده خالی از فایده نیست. اخیراً در رابطه با کمک ۱۰۰ میلیون دلاری آمریکا به ضد انقلابیون نیکاراگوئه، مباحثات گسترده و شدیدی در آمریکا در گرفت. در همه بحث‌های محافل عمومی، در اخبار و تفسیرهای روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون، سخن از تصویب با عدم تصویب کمک ۱۰۰ میلیون دلاری به "کونترا" بود. اما نظرخواهی یک موسسه آماری، نتیجه داد که بیش از ۵۰ درصد افراد بالغ آمریکایی، نمی‌دانند قرار است این کمک ۱۰۰ میلیون دلاری به دولت نیکاراگوئه داده شود یا به مخالفان آن!

"سوغاتی آوردن شمر برای دخترش"



اگر سخن بر سر این همه جنایات آخوندها علیه زنان نبود، نمی‌شد مضحک‌تر از مطالبی یافت که با عنوان "اولین تجربه نمایش سنتی واحد نمایش خواهران" در مجله "زن روز" ۱۲ مهر به چاپ رسیده است. اما جنگ تمام عیار خمینی و رژیم او با زن ایرانی و حقوقش، به چنین مضحکه‌هایی رنگ فاجعه زده است. "زن روز" ۱۲ مهر، با سلام و صلوات "نوید می‌دهد، واحد مرکز هنرهای نمایشی خواهران وزارت ارشاد، اولین تجربه زنانه خود را به راه انداخت. نام قلعه "سوغاتی آوردن شمر برای دخترش" است. دختران شمر در این نمایش، تصویری از "سوغات" خمینی برای زنان ارائه می‌دهند، چه کسی می‌گوید در رژیم فقها زنان جز کنج خانه‌ها جایی ندارند. کیست که ادعا کند زنان از فعالیت هنری محرومند. "خواهران واحد نمایش" نوحه می‌خوانند، بر طبل می‌کوبند و سنج می‌زنند. صد البته با حجاب کامل اسلامی! تا "پارکگاه اشقیاء" و خانواده شمر ویزید را تصویر کنند. "زن روز" می‌نویسد، "احیای تجربه... زنده شدن مجدد تاریخ است. چه تعبیر درستی، اگر زنده شدن مجدد تاریخ بر خاستن لاشه‌های پوسیده از کورستان تاریخ باشد.

به مبارزین شکست خورده اروپایی - الوت ویتمن

الوت ویتمن
(۱۸۹۲ - ۱۸۱۹) شعر
"به مبارزین شکست خورده اروپایی" راسکه
ترجمه آن را به نقل از مجموعه "شعر اجتماعی" (ترجمه هوشنگ باختری، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۶)
می‌خوانید - خطاب به انقلابیون اروپا، بعد از شکست انقلابات ۴۹- ۱۸۴۸ سروده است. او در این چکامه، که به بهانه‌ای آتشین می‌ماند از تداوم مبارزه و تدارک برای دست یافتن به پیروزی سخن می‌گوید. همین یک نمونه کار الوت ویتمن، همین تعهد انقلابی و اجتماعی این شاعر بزرگ آمریکایی را جلوه‌گر می‌سازد. شعر الوت ویتمن در راس شعر اجتماعی آمریکا است. اکثر شاعران ادبی شعر ویتمن را راست‌ترین و بی‌تکلف‌ترین صدای دمکراسی در ایالات متحده توصیف کرده‌اند.

برادرم، خواهرم، شهامت را زبیر بیکر خود کن! به راه خود ادامه بده - صرف نظر از آنچه که روی خواهد داد، آزادی را باید پاس داشت. آنچه که با یک یا دو شکست، و با چندین شکست فروکش کند، یا در نتیجه بی‌تفاوتی و عدم اقبال عمومی، یا با قدرت‌نمایی این و آن، و دخالت جنگ‌افزارهای مرگبار، و بیم از مجازات به سردی گراید، به پیشزی نمی‌ارزد.
آنچه که ما امروز بدان نیازمندیم صبر و طاقت و تحملی است، مافوق همه این چیزها...
من شاعر سوگند خورده هر یاغی طاغی‌ام در پنج قاره جهان، و اوست که به من آرامش می‌دهد و قلب پر از کینه‌ام را تسلی می‌بخشد. جانبازی که زندگی‌اش به مویی بند است و در گرو لحظه‌هاست.
جنگ با بوق و کرنا، بازارش گرم است... با پیشروی‌ها و پس روی‌ها، و پیروزی‌های کثیف و ناجوانمردانه‌اش، از مجاری قتل نفس، زندان، اعدام، گاروت *، دست‌بند، قلاده و زنجیر، و گلوله‌های سربین...
قهرمانان با نام و بی‌نام به عوالم دیگر می‌شتابند، سخنوران بزرگ و نویسندگان سترگ به زندگی در تبعید تن در می‌دهند، و در دیار غربت با انواع بیماری دست به گریبان می‌شوند...
همه نام‌آوران در خون خود غوطه‌ورند، دیگر مردم چشم دیدن این صحنه‌ها را ندارند

اما، با این همه، آزادی هنوز نمرده، و استبداد چیره نگشته و دبو جهل فائق نیامده.
هنگامی که آزادی از جایی رخت برمی‌بندد، او، نخستین کسی نیست، و نه دومین یا سومین، او درنگ می‌کند تا همه از در بدر روند، آن وقت او آخرین است.
در آن هنگام که دیگر خاطره‌ای از قهرمانان و شهیدان برجای نباشد، و در آن هنگام که تمام مظاهر حیات و زندگی از صفحه گیتی رخت بر بندد، و در آن هنگام که روح تمام مردان و زنان از تن‌هایشان خارج گردد، تنها آن وقت است که آزادی و یا فکر آزادی می‌تواند در آن خطه از جهان امکان حیات نداشته باشد...
من از آزادی روی گردان نیستم من حتی در عین عجز و ناتوانی و ناامیدی در شکست، در فقر، در بند، در سرگردانی، که هر یک در جای خود، بزرگ و شکوهمندند تنها در سودای آزادی زنده‌ام، و در راه آزادی گام می‌زنم.
بی‌تردید پیروزی بزرگ است، و لذت پیروزی، بزرگتر از آن. اما، اکنون که پیروزی مقدر نشده، به گمان من، شکست نیز بزرگ است، و مرگ و خانه‌خرابی نیز بزرگ‌تر و شکوهمندتر از آن.
* کاروت، نوعی از اعدام در اسپانیا به صورت خفه کردن توسط یک حلقه آهنی که به وسیله یک پیچ فنکتر و فنکتر می‌شد.

جنگ خمینی و صدام در احادیث

مجله "زن روز" در شماره ۲۹ شهریور ۱۳۶۵ خود مطلبی تحت عنوان "جنگ تحمیلی ایران با عراق به روایت معصومین (ع)" دارد که از کتاب "تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب مهدی (ع)" نوشته آخوند ری شهری رئیس ساواک و "انقلاب اسلامی ایران در کلام معصومین" از حجت الاسلام علی اکبر رضوانی برگرفته شده است. در بخشی از این مقاله آمده است،

حدیث دیگری از پیامبر منقول است که جنگ ایران و عراق را به وضوح پیش بینی کرده است و بهیروزی

ایران در این جنگ تحقق وعده الهی می‌باشد. حضرت رسول می‌فرماید، هرچی از سرزمین ایران با انقلابی چشمگیر به اهتزاز در می‌آید و اولین بار به سوی عراق حرکت می‌کند. پارچه آن نه از کتان است و نه از پنبه، مهر نبوت بر آن نقش بسته. وقتی این پرچم به اهتزاز در می‌آید شرقیان و غربیان با آن به مخالفت برمی‌خیزند. وقتی جنگ آغاز شد، گروهی برای مذاکره به ایران می‌آیند که در آن هم عرب است و هم ترک. مذاکره شکست می‌خورد. ایران حمله می‌کند و پیروزی بزرگ نصیب آن می‌شود...

انجا که ستم هست ، مبارزه هم هست

بقیه از صفحه ۵
می‌خواهد بارانی بگیرد و توی این بیابان خشک سبزه‌راه بیافند و یک بار دیگر همه جا را سرسبز ببینم، یکبار دیگر در مزارع پدرم و بعد از خستگی کار در زیر سایه درخت‌ها بنشینم و استراحت کنم. دلم می‌خواهد یکبار دیگر بیمار را لمس کنم، دلم می‌خواهد باران بهاری تنم را حسابی بشوید و آب از سرورویم بریزد و گل‌گندم را ببینم که باد آترابه رقص در می‌آورد. دلم می‌خواهد موج رقص‌گندم را ببینم و بار دیگر از شان‌گندم "یه‌که‌شه‌وه" بخورم.

باد شدیدی شروع به وزیدن می‌کند. مهمانان ناخوانده انگار خوشایند این دشت نیستند. راننده به سخن در می‌آید و به ما می‌گوید، "رسیدیم، اینجا شرکت است، از این راه مستقیم بطرف بالا حرکت کنید می‌رسید به آنجا." به راه رفتن خودمان نگاه می‌کنم انگار همین امروز راه رفتن را یاد گرفته‌ام ۱۷، ۱۸ ساعت توی ماشین نشستن کار دستمان داده است. و از دور ساختمان شرکت دیده می‌شود، اما از آدم‌ها اثری نیست. یادمان آمد که روز تعطیل است به محل زندگی کارگران می‌رسیم، حیاطی است بزرگ، که از سه طرف اطاق‌های کوچکی را برای کارگران درست کرده‌اند. کارگاه متعلق به چند سرمایه‌دار است، افراد این کارگاه از مناطق مختلف آمده‌اند و عمده‌ترین آنها از اطراف همین کارگاه هستند. به ما می‌گویند چیزی برای خوردن نداریم باید به روستا رفت و خرید کرد، ۲۰ کیلومتر دورتر از کارگاه به روستایی می‌رویم، روستایی است بزرگ بعد از خرید

برمی‌گردیم. وقتی دوست ما ضابطصوت را می‌بیند می‌گوید یکی از کارگرهای اینجا نوار دارد می‌روم می‌گیرم، بعد از چند دقیقه برگشت و کاست را در ضبط صوت گذاشته و روشن کرد، با شنیدن صدا چه شوخی یافتم مسفرم نگاهی به من انداخت. آخر در این بیابان برهوت که همه به زور اینجا جمع شده‌اند این صدا چه می‌کند؟ نوار آن کارگر یکی از آن نوارهایی بود که به سازمان اهدا شده بود، به همه فدائیان تقدیم می‌کنم و خواننده شروع می‌کند. "هدفم، شرفم، محکم ایمانم ... کارگر، اکینچی من فداییم ... آری در نگاه اول این بیابان برهوت بود وای در اینجا قلب‌های کسانی می‌تپد که دستپایشان پیچیده بسته است و آرزوهای بزرگی در سینه دارند. کارگران ساده‌ای که به فردا و دنیای روشن آن فکر می‌کنند.

با کارگران به گفتگو می‌نشینم، راننده‌ای است از ولایت مازن و دوتا بچه دارد، می‌گوید خوش آمدی مشهوری شروع به صحبت می‌کند، به قیافه شکسته شده‌ام نگاه نکن بیشتر از ۲۲ سال ندارم، از زور بیکاری اینجا آمده‌ام چونکه در ولایت خودمان کار نیست زن و بچه‌ها را رها کرده و در اینجا کار می‌کنم. دیگری نوجوانی است ۱۶ ساله و می‌گوید پدرم را از دست داده‌ام، تنها نان آور خانواده هستم، تا سوم راهنمایی درس خواندم و دیگر نتوانستم ادامه دم. توی موتورخانه کار می‌کنم کار موتورخانه خیلی مشکل است، از سروصدا مغز آدم به درد می‌آید، اما چکار باید کرد... خیلی زود با همه کارگران کارگاه اخت شدیم.

* به‌ک‌شوره نام روستایی در کردستان که نام‌گندم آن مشهور است

کتاب‌های مالی رسیده	
۲۰ دلار	الف بهرتک - آمریکا
۷۰ دلار	از راسل ویل - آمریکا
۲۰ دلار	از لسینگ - آمریکا
۸۵ دلار	از کلیولند - آمریکا
۱۵ دلار	از ایست لسینگ - آمریکا
۱۰ دلار	از ایست لسینگ - آمریکا
۱۰ دلار	از ایست لسینگ - آمریکا
۵۰ پیوند	بهاره - بریتانیا
۱۰۰ مارک	حسین از بهوخوم - آلمان فدرال
۱۰۰ کرون	حمید دانمارک
۵۰۰ ریال	ن. راد - کانادا
۵۰۰ ریال	م. بیدار - آلمان فدرال

حکایات و روایات

چارلز اسپنسر چاپلین (۱۹۷۷-۱۸۸۹)

آیا تا کنون کودکی را دیده‌اید که بچه‌ها را دوست داشته باشد؟

چاپلین از هیتر متغیر بود و برای مبارزه با او، هرآنچه می‌توانست انجام می‌داد. وی پیش از آنکه فیلم مشهور "دیکتاتور بزرگ" خود را که در آن هیتر به پاد استهزا گرفته شده بود، بسازد، دست به انتشار سلسله آکپی‌هایی در روزنامه زد و در آن هیتر را به تقلید غیر مجاز از سبیل خود متهم کرد.

هر چه انتقاد از ناپسامانی‌های اجتماعی در فیلم‌های چاپلین پررنگ‌تر می‌شد، مطبوعات ارتجاعی آمریکا با او بیشتر دشمنی می‌کردند. قلم به‌مزدان نوکر سرمایه‌علاوه بر این که برای چاپلین به اتهام داشتن گرایش‌های کمونیستی پرونده سازی می‌کردند، در زندگی خصوصی اش نیز دست به کنکاش می‌زدند و به او ناجوانمردانه‌ترین اتهامات را وارد می‌نمودند. می‌گفتند چاپلین خائن است، وطن فروش است، زمانی به زنی تجاوز کرده است، قدش کوتاه است و در "توطئه‌های ضد امریکایی" شرکت دارد. کار زار ضد چاپلین زمانی به اوج خود رسید که کمیته تفتیش عقاید سناتور مک کارتی از او خواست برای "ادای توضیحات" در برابر کمیته حاضر شود. چاپلین اعلام کرد به شرطی آماده این کار است که کمیته حاضر باشد وی را در لباس معروف "چارلی" بپذیرد. کمیته مک کارتی بلافاصله احضاریه خود را پس گرفت.

چارلز اسپنسر چاپلین هنرپیشه و کارگردان بزرگ سینما، با استعداد و خلافت سراسر به شهرت بسزایی رسیده بود و آوازش به بهای میلیون‌ها دلار معامله می‌شد. در جلسه‌ای با مسئولین استودیوهای فیلمبرداری که موضوع آن، بحث درباره اینگونه معاملات میلیونی بود، چاپلین همه وقت را به این می‌گذراند که بتواند مگسی را که دور سرش پرواز می‌کرد و مزاحمش بود، بکشد. بالاخره پس از کوشش بسیار، چاپلین خواست تا مگس کشی برایش بیاورند. چارلی چاپلین با مگس کش دورخیز کرد. نفس در سینه همه حبس شده بود. اما چاپلین آهسته مگس کش را پایین آورد و گذاشت تا مگس فرار کند. با تعجب از او پرسیدند که چرا ضربه را وارد نیاورد، و چاپلین پاسخ داد، "این، همان مگس اول نبود."

چاپلین با فیلم معروف خود به نام "پسر بچه" کس رکذشت یک کودک کمشده را تصویر می‌کرد، تاثر تماشاگران سینما را در سراسر جهان برانگیخت. آلبرت اینشتین نیز این فیلم را بسیار پسندیده بود و در صحبتی با چاپلین، به ویژه صحنه‌ای از فیلم را که در آن، به فرزندان یک خانواده فقیر مانند مرغ‌ها غذا می‌دادند، ستود. اینشتین افزود چنین ایده‌ای تنها می‌تواند از ذهن کسی سرچشمه گیرد که عاشق کودکان است. چاپلین پاسخ داد، "من بچه‌ها را نمی‌توانم تحمل کنم." اینشتین یکه خورد. چاپلین گفت، "تعجب نکنید.

SIG.ELISA DI TORTONO (ITALIA) 50000LIRA

حزب دمکرات و "جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی"

نشریه "کوردستان" ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران در شماره ۱۱۸ (شهریور ۶۵) طی مقاله‌ای با طرح این حقیقت که "پایگاه داخلی رژیم بشدت تضعیف گشته و بحران‌های عمیقی سراسر بیکر آنرا فراگرفته است، بحران‌هایی که در آینده‌ای نه چندان دور رژیم آخوندها را به ورطه سقوط خواهد کشاند" این سؤال را مطرح ساخت که "درفردای بعد از سقوط رژیم آخوندها چه نوع حکومتی بر سر کار خواهد آمد؟"

در این مقاله پیرامون تحولات پس از انقلاب بهمین اظهار نظر شده است که "پراکنده‌گی و عدم ائتلاف سازمان‌های سیاسی مترقی و فقدان یک برنامه عمل مشترک و اصولا ضعف سازمان‌های سیاسی، باعث شد که حاکمیت بعد از انقلاب به انحصار آخوندها درآید." در این مقاله ابراز نگرانی شده است که آیا پس از سقوط رژیم خمینی نیز نیروهای مترقی "باردیگر بانگ بر نخوانند آورد که دستاوردهای انقلاب به تاراج رفت؟"

در پایان این مقاله تاکید شده است که "وظیفه سازمان‌های

انقلابی کشورمان است که از عم اکنون در همه زمینه‌ها به نظرات یکدیگر احترام بگذارند و آزادی فعالیت سیاسی را برای کلیه سازمانها و گروه‌های کوچک و بزرگ، که در صف خلق قرار دارند، محترم شمارند."

نشریه "کوردستان" پیش از این نیز در شماره ۱۱۶ به پراکندگی میان نیروهای اپوزیسیون پرداخته و اظهار تاسف کرده بود که "احساس همدردی و همبستگی در میان این سازمان‌ها ضعیف است، شکست و پیروزی یکدیگر را از آن خود به حساب نمی‌آورند." در شماره ۱۱۶ "کوردستان" بار دیگر ضرورت ایجاد "جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی" طرح و تاکید شده بود که "منافع جنبش‌های بخش خلق‌های ایران ایجاد می‌کند کلیه سازمان‌های اپوزیسیون اختلافات فرعی را کنار بگذارند و برای مبارزه بر ضد رژیم خمینی حول برنامه مشترکی گردآیند، همگی متحداً در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک رژیم دمکراتیک به مبارزه‌ای عملی برخیزند و در این راه یکدیگر را یاری رسانند. به نظر ما هر نوع مسامحه‌ای در انجام چنین وظیفه میهن‌پرستانه و مقدسی مسئولیت تاریخی به دنبال خواهد داشت."

حادثه آفرینی چماقداران خمینی

جنگ افروزی و سرکوبگری رژیم خمینی صورت پذیرفت. مامورین رژیم خمینی که از استیصال ایرانیان و اعلام همبستگی آلمانی‌های حاضر با این تظاهرات، بخشم آمده بودند به آنان حمله کردند. اکثر مهاجمین مزدورانی بودند که رژیم به همین منظور در ۶ ماه اخیر در شهر فرانکفورت اسکان داده و برای این حمله فراخوانده شدند.

نمونه دیگر در زمینه تشدید اوباشگری‌های مامورین جمهوری اسلامی در خارج از کشور اقدامات تحریک آمیز در جریان تظاهرات ضد جنگ ایران و عراق در هندوستان بود.

آنچه در قبال تشدید این گونه اقدامات از سوی مامورین رژیم قابل تاکید است ضرورت ایجاد و تقویت هماهنگی نیروهای مترقی برای مقابله با آن است. شرایطی که مزدوران خمینی را برای بکارگیری بیشتر شیوه‌های معمول‌شان در ایران در خارج از کشور گستاخ کرده است، قابل توجه ویژه است. برنامه‌ریزی جمهوری اسلامی برای این حرکات اوباشانه بر تفرقه میان نیروهای مترقی متکی است. در جهت پاسداری از حقوق ایرانیان در برابر چماقداران حزب الهی باید با تفرقه افکنی‌ها نیز مقابله نمود.

کشته شدن ده مجاهد در کردستان عراق

مجاهدین در بغداد مخصصات میان این دو سازمان بیشتر از پیش شده است. و اکنون اتحادیه میهنی کردستان عراق بر آن شده است که از آمدن و رفت افراد سازمان مجاهدین خلق در خاک کردستان عراق جلوگیری کند. درگیری روز ۱۵ مهرماه شدیدترین درگیری طرفین محسوب می‌شود. اطلاعیه سازمان مجاهدین حاکی است که پیش از این نیز ده‌ها مورد درگیری مسلحانه میان طرفین وجود داشته است. اما این اولین بار است که این سازمان رسماً خبر زدو خورد با نیروهای تحت رهبری جلال طالبانی را منتشر می‌کند. در یکی از درگیری‌های پیشین در ۲۳ تیرماه چهار تن از مجاهدین کشته شده بودند.

"نهضت آزادی" و جنگ

سران نهضت با سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی اشاره شده و آمده است که "پس از فتح معجزه‌آسای خرمشهر و درماندگی و درخواست صدام ... در یک ملاقات خصوصی با رئیس مجلس، از نظر جنابعالی دایره عدم اعتقاد به رفتن در خاک عراق" اطلاع و اطمینان یافته بودیم.

در این نامه، نهضت آزادی با تاکید بر اینکه "قصد ستیزه با تبلیغات حاکم را نداریم" به توضیح مفصل مبنای مذهبی نظرگاه‌های سیاسی خود پرداخت.

در پایان نامه مژبور اگرچه این سؤال طرح گردید که "آیا ولایت فقیه پدیده و ادعیه‌ای مافوق نبوت است؟" از "رهبری انقلاب" خواستار عمل طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی (که ولایت فقیه از ارکان آن است) گردید. این جریان همچنین خواستار شده است که امر جنگ به "نمایندگان واقعی ملت و شورایی عالی دفاع طبق قانون اساسی واگذار گردد."

نهضت آزادی که در سال جاری به منظور سوار شدن بر موج مخالفت مردم بر تبلیغات خود افزوده، در ماه‌های اخیر اعلامیه‌ها و جزوات متعددی با عناوین گوناگون منتشر کرده است. در همه آنها، این کوشش نیز بکار گرفته شده است که بر کمونیس ستیزی‌های رژیم جمهوری اسلامی در عرصه ملی و بین‌المللی دامن زده شود. از جمله اعلامیه‌های این جریان، اعلامیه دیگری است که در تاریخ ۲۷ شهریور منتشر گردید و در آن سیاست خارجی رژیم ولایت فقیه "راضی نگهداشتن سیستماتیک حساسه شمالی" توصیف شده است.

سازمان مجاهدین خلق ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام داشت که در منطقه کردستان عراق در ماه‌های اخیر چندین مورد زدو خورد مسلحانه میان افراد مسلح این سازمان و نیروهای تحت رهبری جلال طالبانی رخ داده است. این اطلاعیه که در پی آخرین درگیری طرفین در روز ۱۵ مهرماه در روستای "پشت آشان" از توابع سلیمانیه عراق صادر گردید، خاطرنشان می‌سازد که در نتیجه این درگیری ده تن از اعضای سازمان مجاهدین کشته شدند.

نیروهای جلال طالبانی (به کتی نیشتمانی) که در بخشی از منطقه کردستان عراق مستقر هستند با رژیم صدام در حال جنگ می‌باشند. بدنبال استقرار رهبری سازمان

"نهضت آزادی" در شهریورماه طی نامه‌ای به خمینی خواستار راه حلی برای پایان دادن به جنگ گردید. در این نامه کوشش گردید با بهره‌گیری از نقش ویژه خمینی در تدویم جنگ مسئولیت بخش عمده‌ای از سرکردگان رژیم و از جمله فقهای قم انکار شود. در این نامه آمده است که،

"برای بسیاری از آقایان متصدیان، مقامات مسئول، معتمدین و نزدیکان جنابعالی عواقب هولناک و خانمان برانداز تدویم جنگ لاف‌زده و بیبوده و زیان‌بخش بودن آن، روشن گردیده است. مراجعات مکرری، با ترس و تردید به حضور رهبری انقلاب کرده‌اند ولی همگی با جواب منفی یا سکوت و تندوی روبرو شده‌اند.

شنیده‌ایم که به مسئولین رده بالا فرموده‌اید اگر خسته شده‌اید زمین بگذارید دیگران را مأمور خواهیم کرد. به آقایان مدرسین قم جواب داده‌اید که تا من زنده هستم در شرایط موجود صحبت از صلح و خاتمه جنگ نکنید و بعد از آن را خودتان می‌دانید. آقایانی را هم می‌شناسیم که مجال بحث و استدلال نیافته مایوس شده‌اند و جرات طرح مجدد تحلیل و هشدار را از دست داده بناچار قیافه موافق و مبلغ می‌گیرند."

نهضت آزادی در این نامه سرکشاده ضمن اینکه می‌کوشد مردم را به "نیت خیر" اکثریت مسئولین حکومتی متقاعد سازد، به دفاع از جنگ تا سال ۶۱ پرداخته و متذکر می‌شود که خمینی نیز تا آن زمان خواستار پیشروی در خاک عراق نبود. در این نامه به یکی از نشست‌ها و مذاکرات

مذاکرات ریپکباویک

در روزهای شنبه یازدهم و یکشنبه دوازدهم اکتبر، میخائیل گارباجف و رونالد ریگان رهبران شوروی و آمریکا در ریپکباویک پایتخت ایسلند دیدار و گفتگو کردند. همانگونه که در شماره پیشین "اکثریت" نیز به اطلاع خوانندگان رساندیم، موضوع اصلی این مذاکرات، بررسی امکان حصول توافق در زمینه‌های مختلف محدود کردن تسلیحات بود. مسابلی نظیر اوضاع پیرامون افغانستان نیز در دستور گفتگوها قرار داشت.

ناظران سیاسی، صرف انجام مذاکرات ریپکباویک را یک پیروزی برای سیاست خارجی اتحاد شوروی می‌دانند، چرا که دولت ریگان اصرار داشت ملاقات دوم سران دو کشور به صورت بازدید رسمی گارباجف از آمریکا و بدون چشم انداز معینی برای حصول توافق و انعقاد قراردادهای خلع سلاح انجام گیرد. اما اتحاد شوروی بارها اعلام کرده بود شرط انجام چنین بازدهی، دست‌یابی به توافقاتی مشخص در جهت تحقق توافقاتی کلی سال گذشته در ژنو است. دبیر کل حزب کمونیست شوروی پدین منظور پیشنهاد کرد قبل از دیدار وی از ایالات متحده، ملاقات دیگری در سطح سران برای تدارک چنین دیداری انجام گیرد. دولت ریگان مدنی با به راه انداختن هیاهو پیرامون بازداشت دانشیورف جاسوس آمریکایی در مسکو، از قبول این پیشنهاد سرباز زد اما عاقبت اعلام شد طرفین در مود انجام مذاکرات در ریپکباویک به توافق رسیده‌اند.

در روز یکشنبه دوازدهم اکتبر، رونالد ریگان جناب به خبرنگاران اعلام کرد مذاکرات در ریپکباویک ادامه خواهد داشت.

تظاهرات عظیم صلح در آلمان فدرال

شنبه گذشته شهر "هاسلیاخ" آلمان فدرال شاهد بزرگترین تظاهرات جنبش صلح این کشور در سه سال اخیر بود. ۱۸۰ هزار نفر از سراسر آلمان فدرال در این شهر گرد آمدند تا علیه استقرار موشک‌های بالدار "کروز" در خاک آلمان فدرال اعتراض کنند. در نزدیکی هاسلیاخ، پایگاهی هوایی واقع شده است که از مراکز استقرار این موشک‌ها خواهد بود. موشک‌های میان برد کروز مانند موشک‌های پرشینگ قادرند از خاک اروپای غربی اتحاد شوروی را هدف قرار دهند.

استقرار موشک‌های پرشینگ که ظرف ۸ دقیقه به هدف‌های خود در خاک شوروی می‌رسند، سه سال پیش آغاز شد. سپس موشک‌های کروز در بریتانیا و ایتالیا استقرار یافت و اینک تعدادی از همین موشک‌ها در آلمان فدرال کار گذاشته می‌شوند. موشک‌های بالدار در زیر سطح حداقل ارتفاعی که قابل ثبت بر صفحه رادار است، پرواز می‌کنند و از این رو، مخصوص وارد آوردن ضربه غافلگیر کننده در آغاز یک جنگ هسته‌ای به شمار می‌روند.

تظاهرات عظیم هاسلیاخ به دنبال یک دوره کاهش نسبی دامنه اقدامات جنبش صلح در آلمان فدرال، حاکی از نیرومندی این جنبش است.

سقوط یک هواپیمای "سیا" در نیکاراگوئه

دولت نیکاراگوئه اعلام داشت هواپیمای آمریکایی سی-۱۲۲ متعلق به سازمان "سیا" بود و وظیفه داشت محموله خود را به ضد انقلابیون برساند. قرار بود هواپیما با پرواز بر فراز محل‌های از پیش تعیین شده، باز خود را به پایین بیاندازد. از لاشه هواپیمای آمریکایی، ۷۰ مسلسل، ۱۰۰ هزار خشاب کلوله، ۱۲ موشک و ۱۵۰ جفت چکمه نظامی به دست آمد.

ریگان رئیس‌جمهور آمریکا مدعی شد هواپیما، سرنوین شده در نیکاراگوئه "خصوصی" بوده است. با این حال دولت واشنگتن اعلام کرد قطع مناسبات دیپلماتیک با نیکاراگوئه تحت بررسی است.

عس، خلبان آمریکایی را که به دست ارتش نیکاراگوئه اسیر شده است، نشان می‌دهد.

در روز یکشنبه پنجم اکتبر، ارتش نیکاراگوئه یک هواپیمای آمریکایی از نوع سی-۱۲۲ را که به حریم هوایی این کشور تجاوز کرده بود، سرنوین کرد. از چهار سرنشین این هواپیما، سه تن کشته شدند اما خلبان آمریکایی به نام یوجین هازنفوس به اسارت ارتش نیکاراگوئه درآمد. هواپیماهای نوع سی-۱۲۲ از سوی ارتش آمریکا برای حمل سلاح و تجهیزات نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. خلبان اسیر شده آمریکایی در ماناگوئا گفت هواپیما مژبور از میامی واقع در فلوریدای آمریکا پرواز خود را آغاز کرده، در السالوادور و هندوراس توقف داشته و سپس برای رساندن اسلحه و مهمات به ضد انقلابیون نیکاراگوئه وارد فضای این کشور شده است. یوجین هازنفوس اعتراف کرد که به عنوان مستشار نظامی در السالوادور فعالیت می‌کرده است.



کشف شکنجه‌گاه ضد انقلابیون در افغانستان

* ۲۰ هزار کارگر اعتصابی اسکله‌های شرق ایالات متحده توانستند قرارداد جدیدی به کارفرمایان تحمیل کنند و به سرکار خود بازگشتند.

* بیش از ۲۰۰ زندانی فلسطینی در کرانه غربی اشغالی رود اردن در اعتراض به شرایط غیرانسانی زندان‌های اشغالگران صهیونیست دست به اعتصاب غذا زده‌اند. هفته گذشته بستگان این زندانیان در برابر مقر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در بیت المقدس با برپایی تظاهراتی از خواست‌های زندانیان حمایت کردند.

* کاری کاسپارف قهرمان شطرنج جهان با دستیابی به ۱۲ امتیاز توانست از مقام قهرمانی خود در برابر آنتونولی کارپف قهرمان پیشین جهان دفاع کند.

* جمعه گذشته زلزله شدیدی سان‌سالوادور پایتخت السالوادور را لرزاند. در این زلزله صدها نفر کشته شدند و بخش‌های وسیعی از شهر ویران گردید.

به گزارش خبرگزاری افغانی باختر، به دنبال عملیات پیروزمند اخیر ارتش افغانستان، در ناحیه کاری استان هرات یک شکنجه‌گاه ضد انقلابیون افغانی کشف شد. در این شکنجه‌گاه، آثار فراوانی از جنایاتی که اشرار مرتب شده‌اند، دیده می‌شود. ضد انقلابیون، افرادی را که حاضر به همکاری با آن‌ها نبودند، دستگیر و شکنجه می‌کردند. چند شاهد عینی که بطور معجزه آسیبی از این شکنجه‌گاه چنان سالم بدر برده‌اند، می‌گویند در این مکان مردان، زنان، کودکان و افراد سالخورده اسیر بودند.

ضد انقلابیون برای خدشه‌دار کردن چهره ارتش افغانستان، به هنگام ارتکاب جنایات خود، اینفورم‌های ارتشی می‌پوشیدند. یکی از دهقانان استان هرات در گفتگویی با خبرگزاری باختر، گفت اشرار که لباس‌های نظامی به تن داشتند، وارد روستایی شدند، چندین نفر را کشتند و ده را غارت کردند. وقتی آن‌ها می‌خواستند روستا را به قصد روستای مجاور ترک کنند، دهقانان برخی از مهاجمین را که عضو گروه ضدانقلابی "جمعیت اسلامی" بودند، شناختند.

هواداران صلح ایران - عراق

اعتصاب غذا در رم

پیش از دو ماه است که در ایتالیا تشکلی بنام "هواداران صلح ایران - عراق" پایه عرصه فعالیت علیه جنگ خانمانسوز ایران و عراق نهاده است. در این تشکل طیفی از ایرانیان و عراقی‌های آزادیخواه و صلحدوست شرکت دارند که با تشخیص ضرورت حیاتی اتحاد نیروهای میهن‌پرست و آزادیخواه دو کشور به همکاری با یکدیگر پرداخته‌اند. در زیر توجه خوانندگان را به گزارشی از فعالیت هواداران صلح ایران - عراق در راه برقراری صلح جلب می‌کنیم.

* * *

به ابتکار این تشکل به مناسبت فرارسیدن هفتمین سال آغاز جنگ بین ایران و عراق، از روز سه‌شنبه ۲۳ تا ۲۶ سپتامبر اعتصاب غذای جمعی در رم سازمان داده شد. در این اعتصاب که در محل سندیکای عمومی کار ایتالیا برگزار شد، چهل ایرانی و عراقی مقیم ایتالیا با شرکت در این اعتصاب تلاش ورزیدند افکار عمومی مردم ایتالیا را پیش از بیش متوجه جنگ



محمد علی جعفری
هنرمند بزرگ
تئاتر ایران
درگذشت

ساعدی و مستنطق را به اجرا درآورد. محمد علی جعفری در زمینه سناریو نویسی و کارگردانی فیلم‌های سینمایی نیز فعالیت‌هایی انجام داد. وی در مورد کارهای خود در این دوره فروتنانه گفته است: "بین ابتدال و نوآوری تهنوع آور، به دنبال خط سومی بوده‌ام اما موفق نشدم".

از فیلم‌هایی که محمد علی جعفری در آن‌ها شرکت داشت و یا کارگردانی نمود می‌توان از "الکلی"، "مرفینی"، "ژشت و زیبا"، "مردی که رنج می‌برد"، "نالن انتظار" (اولین فیلمی که در فستیوال مسکو شرکت کرد) نام برد.

پس از انقلاب محمد علی جعفری فعالیت‌های تئاتری خود را گسترش داد و نمایشنامه‌های متعددی را در سالن و خیابان به نمایش گذاشت. در این زمینه اقداماتی جهت احیای تئاترهای لاله زار به عنوان "قدیمی‌ترین مرکز تئاتر ایران که به ابتدال کشانده شده‌اند" انجام داد.

محمد علی جعفری به دنبال بیورش ارتجاع در اردیبهشت سال ۶۲ دستگیر گردید و مدت ۲ سال در سیاه‌چال‌های رژیم هنرستیز و ضد مردمی جمهوری اسلامی به سربرد. وی سال گذشته ناتوان و بیمار و کوفته از زندان آزاد شد و ۹ ماه پس از رهایی از بند زندگی را وداع گفت.

خدمات محمد علی جعفری به تئاتر ایران و تلاش‌های مسئولانه و پیگیر او در زمینه مردمی کردن این هنر بیاد کار خواهد ماند.

محمد علی جعفری بازیگر و کارگردان مردمی و پیرسابقه و توانای تئاتر، هفتم مهرماه در تهران درگذشت. جعفری ۴۰ سال در عرصه هنرهای نمایشی تلاش کرده. و از پایه‌گذاران و رواج‌دهندگان هنر تئاتر در کشور مابود.

محمد علی جعفری در سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شد. وی آموزش‌های اولیه در زمینه تئاتر را در مدرسه هنرپیشگی تهران فرا گرفت. در این مدرسه استاد نوشین، رفیع‌حالتی، اصغر کرشیری و معزالدیوان فکری تدریس می‌کردند و آموزش می‌دادند.

جعفری بازیگری در تئاتر را به عنوان یک حرفه در تئاتر سیدعلی خان نصرت در تهران و با دستمزد روزی ۵ ریال آغاز کرد. پس از تاسیس تئاتر فردوسی توسط استاد نوشین، محمد علی جعفری نیز به همکاری با این تئاتر پرداخت. پس از مدت کوتاهی این تئاتر تعطیل و استاد نوشین دستگیر گردید. جعفری برای مدت ۲ سال بیکار شد. جعفری پس از چندی در تئاتر سعدی به ایفای نقش در نمایشنامه‌هایی پرداخت که با استقبال گسترده عمومی روبرو گردید.

نمایشنامه‌هایی که با شرکت جعفری در تئاتر سعدی به اجرا درآمدند، تاثیر بسزایی در کشاندن مردم به سالن‌های نمایش و توده‌ای کردن هنر تئاتر ایفا کرد. مدت کار تئاتر سعدی نیز دیری نپایید. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و بیورش مجدد ارتجاع برای مدتی، تمام کلوب‌های تئاتر تعطیل شدند.

از سال ۱۳۲۴ محمد علی جعفری به همراه چند تن دیگر از هنرمندان "تئاتر سعدی" یک گروه جدید تئاتر را که بعدها "تئاتر جعفری" نامیده شد! سازمان دادند.

وی در چند سال قبل از انقلاب در تالار رودکی نیز نمایشنامه‌هایی همچون "مرگ همسایه"، اثر علی عرفان، "آی پاکلا"، "آی بی‌کلاه" اثر غلامحسین

خونبار دو کشور کنند. در نخستین روز اعتصاب "جان پالومبو" مسئول "جامعه حقوق خلق‌ها" در ایتالیا، در محل تجمع اعتصاب کنندگان حضور یافت و حمایت همه جانبه خود را از اقدام صلح دوستان ایرانی و عراقی اعلام نموده، ادامه جنگ را محکوم کرد. طی روزهای بعدی بسیاری از احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های سیاسی ایتالیا خواسته‌های شرکت کنندگان در اعتصاب غذا را که در اطلاعیه مطبوعاتی "هواداران صلح ایران - عراق" بازتاب یافت، مورد پشتیبانی قرار دادند.

قطع فوری جنگ ایران و عراق، محکومیت دو رژیم جنایتکار توسط سازمان ملل متحد، قطع فوری تحویل سلاح‌های ایتالیایی به دو رژیم، بررسی از خواسته‌های اعتصاب کنندگان را تشکیل می‌داد. شرکت کنندگان در اعتصاب غذا، همچنین خواهان اعتراض کارگران کارخانه‌های اسلحه‌سازی به جنگ ایران و عراق و بقیه در صحنه

جشن "اتحاد" برگزار شد

داشتند که در میان آنان برخی از مسئولین احزاب کمونیست فرانسه، یونان، پرتغال و بوسگلای و همچنین مهمانان برجسته‌ای چون "وادیم زاکلادین" معاون دبیر روابط بین‌المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی دیده می‌شدند.

"دهکده انترناسیونال" نام محلی بود که در جشن برای نمایندگان کشورهای مختلف آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و اروپا در نظر گرفته شده بود. در "دهکده انترناسیونال"، غرفه‌ای نیز به ایران اختصاص داشت این غرفه توسط فدائیان خلق (اکثریت) در ایتالیا و حزب توده ایران - ایتالیا برپا گردید. غرفه ایران دربرگیرنده میز کتاب، نمایشگاه عکس و صنایع دستی ایرانی بود. خیل انبوه بازدید کنندگان از غرفه، با اشتیاق فراوان به توضیحات فدائیان و توده‌ای‌ها پیرامون اوضاع ایران گوش فرا می‌دادند و با مردم ایران در مبارزه علیه رژیم ارتجاعی خمینی ابراز همبستگی می‌کردند.

حزب کمونیست ایتالیا به سنت هر ساله، جشن بزرگی را به نام "اونیتا" (اتحاد) ارگان مرکزی خود، برگزار می‌کند. این جشن در ابعاد میلیونی مورد استقبال مردم ایتالیا قرار می‌گیرد. امسال جشن "اونیتا" از ۴ تا ۲۱ سپتامبر، به مدت ۱۷ روز، در شهر تورینو برگزار شد و وسیعاً مورد استقبال قرار گرفت. طی مدت جشن، فرصتی برای پرشورد اندیشه‌ها در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی پدید آورد. برخی رهبران حزب کمونیست ایتالیا و نمایندگان احزاب و نیروهای سیاسی این کشور همچون حزب سوسیالیست، حزب سوسیال دمکرات و جنبش سزها نیز در بحث‌ها و گفتگوهای انجام یافته حضور داشتند. محورهای اصلی گفتگوها را مساله حفظ صلح جهانی، متوقف کردن مسابقه تسلیحاتی، مبارزه علیه نظامی کردن فضای جهانی و همچنین "چپ اروپا" تشکیل می‌داد.

در جشن اونیتا بیش از پنجاه نماینده از ۲۱ کشور جهان شرکت

AKSARIYAT
NO. 128
MONDAY 13 OCT. 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY